خوزستان گهواره شاهنشاهی ایران

علوی، باقر

-از فریدریش کخواس،از مؤسسه روابط خارجی در شتونگارت: «ایران در سفرنامه هاینریش فن پوسر(1625-1620)»از ص 94-80

-از پرفسور دکتر محمود کورس،از شتوتگارت.«اهمیت ایران از دیدگاه فرهنگ اروپائی»از ص 106-94

-از پروفسور دکتر آنا ماری شیمل،از دانشگاه بن-هاروارد:«اندیشه‏ های میرداماد و راجع‏به مناسبات عرفان و کلمه»از ص 133-117

-از پرفسور دکتر برن فرید شلرات،از دانشگاه ماربورگ. «زرتشت در اوستا»از ص 141-133

-از پرفسوو دکتر دکز گرنت ویسز،از دانشگاه گوتینگن:«عبادت‏ مسیحی در اطراف یک شاه بزرگ ساسانی»از ص 156-141

-«متن میخی لوحه کوروش»از ویلهلم آیلرس از 168-156

 (خوزستان گهواره شاهنشاهی ایران)همزمان باآغاز جشنهای‏ 2500 ساله شاهنشاهی انتشار یافته است.این کتاب که بنوبه خود روشنگر گوشه‏ هائی از تاریخ پرافتخار و عظمت کهن سال ایران باستان است،بخوبی نقش‏ خوزستان و خوزستانیان را در راه اعتلاء و حفظ استقلال و موجودیت ایران‏ در طول 2500 ساله شاهنشاهی ایران روشن مینماید.

هنگامیکه مقدمه دکتر گیر شمن را که صرف‏نظر از مقام علمی و باستان‏ شناسی نویسنده‏ای توانا و مورخی نامدار است مطالعه کردم بی‏اختیار جملات‏ نغز ایرانشناس مشهور که از علاقه و احساساتی که آقای امیری در طرح نظریه‏ خویش نسبت یه مبادی و ریشه‏های تارخی اقوام خوزستانی نشان داده است‏ تعجب کرده بود،مجذوب گردیدم.

اندیشمند بزرگ فرانسوی که موی خود را در این کشور سپید نموده و در راه شناسائی و اعتلای میراث فرهنگ و تمدن ایران باستان خدماتی بس‏ ارزنده انجام داده است بخوبی از ویژگیهای اخلاقی و سنن اجتماعی و ملی‏ ایرانیان آگاهی دارد و بااحتیاط و حجب خاصی،هوشیارانه اندیشه‏های خود را در قالب عبارات و جملاتی بشیوه مردم خاوررمین بکار برده است او نخواسته‏ است بی‏پروا بگوید که در اولین آشنائی و دوستیش بامؤلف کتاب که تاکنون‏ سالها از آن گذشته است و در آن اوقات نویسنده مذکور که هنوز از مرز جوانی فاصله نگرفته بود از اطلاعات سرشار تاریخی او دچار حیرت و تعجب گردیده است یا بعبارت دیگر نگفته است جوانی که بگونه پیران اندیشمند در مقابل ایران‏شناسی بزرگ به بحث و مجادله پرداخته است،نظر او را سخت بخود جلب نموده است.

آری خاورشناس معروف که خود مردی وارسته و مبادی آداب است با توجه به خصوصیات اخلاقی ایرانیان از اظهار صریح این مطلب خودداری‏ نموده و مطالب را بگونه دیگری نمایانده است.چه خوب فرموده است مولانا:

از عبادت نی توان اللّه شد میتوان موسی کلیم اللّه شد

در کتاب«خوزستان گهواره شاهنشاهی ایران»به جای حدس و خیال‏ آمار و ارقام باشما سخن میگویند و مطالب آن از دیدگاه یک پژوهشگر کامل العیار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.در مباحث تاریخی مؤلف‏ نه تنها به شیوه دیرین از اطلاعات وسیع تاریخی خود استفاده نموده بلکه‏ در بعضی موارد از دانستنی‏های شخصی و خانوادگی خود اطلاعاتی داده که‏ بیش از پیش ارزش تحقیقی کتاب را بالا برده است.

در مورد مردم خوزستان مؤلف ضمن تهیه تازه‏ترین اطلاعاتی راجع‏به‏ نژادهای باستانی این سرزمین کهن‏سال مطالبی نو و ارزنده درباره مردم‏ کنونی خوزستان بدست داده است.وی بااشاره به تحقیقات مردم‏شناسی که‏ بوسیله هیئت‏های علمی و دانشگاهی خارجی تاکنون در خوزستان انجام‏ پذیرفته است،مطالبی در تکمیل اطلاعات آنها که از جزئیات ریشه‏های‏ نژادی مردم خوزستان اطلاعی نداشتند افزوده است و بااین آگاهی مطالبی‏ ارزنده و سودمند در شناخت ریشه‏های نژادی مردم خوزستان در اختیار خوانندگان کتاب قرار داده است.

در مورد شهرهای خوزستان مؤلف ضمن تشریح سوابق تاریخی تازه‏ ترین اطلاعات را راجع‏به جمعیت و پیشرفت هرشهر را بدست میدهد و در حقیقت دائرة المعارفی از پیشرفتهای چشمگیر اخیر خوزستان را در برابر دیدگان خوانندگان کتاب میگذارد که تهیه و تنظیم آن اگر عملی غیرممکن‏ و دشوار نیست،کاری ساده و آسان نیز نمیتواند باشد.

کوتاه سخن آنکه او باانتشار این کتاب گامی بزرگ در راه شناخت‏ زادگاه خود برداشته است که سعی او از دیدگاه مردم حق‏شناس خوزستان از هرجهت ستوده و مشکور است من بنوبه خود موفقیت و کامیابی بیشتر همکار ارجمند و پژوهشگر تاریخ معاصر را در ادامه تحقیقات و ارائه تألیفات ارزنده‏ دیگر ایشان صمیمانه آرزو مینمایم.